

## بررسی مسائل ایران‌شناسی در جهان دانش با حضور پرفسور برت فراگنر در کتابخانه مجلس

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه ۲ اسفند ۹۱ ساعت ۱۴/۳۰ در سالن شهید مدرس (مجلس مشروطه) میزبان دانشوران، اندیشمندان و علاقه‌مندان حوزه ایران‌شناسی بود. این نشست علمی که با عنوان «بررسی مسائل ایران‌شناسی در جهان دانش» برگزار شد، یک مهمان ویژه داشت و او، ایران‌شناس برجسته پرفسور برت فراگنر رئیس موسسه ایران‌شناسی در آکادمی علوم اتریش بود. این مراسم، نخستین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی علمی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی بود که به گفته دکتر رجبی، آغاز نشست‌های علمی مشابه دانشمندان داخلی و خارجی در موضوعات گوناگون ذیربط با اهداف و وظایف کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی خواهد بود.

### معرفی برت فراگنر<sup>۱</sup>

برت فراگنر، به سال ۱۹۴۱م، در شهر وین اتریش به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی، دبیرستان و دوره اول دانشگاهی را در همان شهر به پایان برد. پس از این، بورسیه دانشگاه تهران را دریافت کرد و حدود چهار سال در این دانشگاه به تحصیل و تحقیق پرداخت. فراگنر در سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵، نزد استادانی مانند ایرج افشار<sup>۲</sup>، جعفر محجوب، مجتبی مینوی، ذبیح‌الله صفا، منوچهر ستوده و دیگران، به مطالعه در حوزه ایران‌شناسی و تاریخ ایران پرداخت.

۱. بخش‌هایی از این معرفی از سخنان ایراد شده توسط استادان و پژوهشگران به مناسبت اهدای جایزه بخش خارجی چهارمین جشنواره بین‌المللی فارابی به پروفیسور فراگنر، مراسم شب فراگنر، به همت مجله بخارا و نشست تخصصی «مسائل ایران‌شناسی در جهان معاصر دانش» در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، با تصرف و تلخیص، برگرفته شده است.

۲. فراگنر در سخنان خود که به مناسبت دریافت جایزه بخش خارجی چهارمین جشنواره بین‌المللی فارابی ایراد کرد، در مورد استاد افشار گفت: «من جایگاه علمی خود را مدیون سه ایرانی می‌دانم که به من کمک کردند تا جایگاه خودم را به‌عنوان یک ایران‌شناس آگاهانه‌تر بشناسم. یکی از آنها پروفیسور ایرج افشار بود. وی دانشمندی استثنائی و فوق‌العاده توانا در زمینه فرهنگ بود. من پنجاه سال پیش در دانشگاه تهران شاگرد او بودم و ثمره دوستی با او، بزرگ‌ترین هدیه‌ای است که می‌توانست در زندگی علمی‌ام به من اهدا شود.»

بررسی مسائل ایران‌شناسی در جهان دانش با حضور پرفسور برت فراگنر در کتابخانه مجلس

در ۱۹۷۰م از رساله دکتری خود در دانشگاه وین با عنوان «تاریخ همدان در شش قرن اول اسلامی» دفاع کرد. این اثر که به سال ۱۹۷۲م در وین منتشر شد، پژوهشی است در تاریخ همدان، مربوط به دوران حکومت سلجوقی در آن خطه. فراگنر در این اثر به خوبی نشان داده است که برای روشن ساختن گذشته یک منطقه، به چه زمینه‌هایی باید توجه کرد و پژوهش در آن مقوله، چه اهمیتی برای تاریخ عمومی ایران خواهد داشت. پس از آن، مدتی در مؤسسه شرق‌شناسی بیروت، وابسته به انجمن شرق‌شناسی آلمان، به‌ویژه در بخش نسخه‌های فارسی، به کار و تحقیق پرداخت.

در سال ۱۹۷۷م، رساله استادی خود را در حوزه اسلام‌شناسی، با عنوان «خاطرات‌نویسی ایرانیان» ارائه داد و سه سال بعد، آن کتاب را در ویسبادن منتشر کرد. این کتاب بعدها به فارسی، ترجمه و چاپ شد.

فراگنر از سال ۱۹۷۱م به همکاری با سمینار شرق‌شناسی دانشگاه فرایبورگ آلمان پرداخت و در ۱۹۷۷، پس از دفاع از رساله استادی، به استادیاری همان دانشگاه برگزیده شد. مدتی به عنوان استاد میهمان در دانشگاه وین و مدتی هم در دانشگاه برن سوئیس به تدریس پرداخت. در سال ۱۹۸۵م با درجه استادی به دانشگاه برلین رفت و در ۱۹۸۹م به دانشگاه اتو فردریش بامبرگ منتقل شد. وی در این سال‌ها از استادان ناموری چون هربرت دودومانفر و یا هوفر و استاد هانس روبرت رومر بهره‌ها برد. از سال ۲۰۰۳ تا زمان بازنشستگی، با عنوان مدیر مؤسسه ایران‌شناسی آکادمی علوم اتریش، به فعالیت پرداخت و خدمات گرانمایی را در این سمت، به دنیای ایران‌شناسی انجام داد.

نگاهی اجمالی به آثار فراگنر و زمینه‌های پژوهشی دانشجویانی که طی سال‌ها تربیت کرده است و تعدادی از آنها اکنون در زمره ایران‌شناسان محقق جای دارند، نشان می‌دهد که قلمرو فعالیت‌های دانشگاهی و پژوهشی استاد فراگنر گسترده است و وجه مختلف تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را دربرمی‌گیرد. فراگنر توجه به دنیای شرق را با اسلام‌شناسی و تعمق در ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن عصر اسلامی آغاز کرد، ولی به زودی مهم‌ترین و شکوفاترین وجه آن فرهنگ و تمدن، یعنی تاریخ و فرهنگ ایران، توجه مخصوص او را به خود جلب کرد و از آن پس کوشش‌هایش را به طور خاص به تحقیق درباره جهان ایرانی معطوف گردانید.

خانم دکتر بریگیت هوفمان، استاد ایران‌شناسی دانشگاه بامبرگ، درباره شیوه کار فراگنر می‌گوید: «قلمرو پژوهشی بیشتر ایران‌شناسانی که در سرزمین‌های آلمانی زبان تربیت شدند و به فعالیت برخاستند، ایران باستان و به‌ویژه زبان‌شناسی زبان‌های ایرانی است. آنچه مربوط به تاریخ، فرهنگ و تمدن ایرانی عصر اسلامی است، بر عهده اسلام‌شناسان است، اما فراگنر، فرهنگ و تمدن ایران و تأثیر آن بر اقوام و فرهنگ‌های دیگر را پهنه اصلی تحقیقات خود قرار داد.»

استاد هوفمان همچنین متذکر شده است که «تا دوره فعالیت استاد فراگنر، اسلام‌شناسی در سرزمین‌های آلمانی زبان، بیشتر به فرهنگ عربی‌گرایش داشت، ولی فراگنر در مؤسسه ایران‌شناسی برلین، به تحقیق درباره فرهنگ ایران و تأثیر آن بر فرهنگ‌های دیگر، کنار رشته‌های ایران باستان و اسلام‌شناسی، جایگاهی شایسته بخشید.»

دکتر سادوفسکی، معاون انستیتو ایران‌شناسی وابسته به آکادمی علوم اتریش و یکی از پژوهشگران ارشد این آکادمی، در ارتباط با خدمات پروفیسور فراگنر اظهار می‌دارد: «خدمات و فعالیت‌های فرهنگی پروفیسور فراگنر، محدود به کشور اتریش نمی‌شود، بلکه وی یک چهره جهانی است و در کشورها و دانشگاه‌های مختلف جهان، از جمله دانشگاه برن در سوئیس، دانشگاه شهر بامبرگ آلمان، دانشگاه آزاد در برلین، دانشگاه شهر فرایبورگ

بررسی مسائل ایران‌شناسی در جهان دانش با حضور پرفسور برت فراگنر در کتابخانه مجلس

آلمان، دانشگاه خاورشناسی بیروت و دانشکده خاورشناسی دانشگاه وین تدریس کرده است.»  
سادوفسکی معتقد است پرفسور فراگنر نه تنها در زمینه فرهنگ، بلکه در زمینه اسلام‌شناسی هم استادی بی‌بدیل است. وی با تأسیس انستیتو ایران‌شناسی در اتریش، محققین جوان را از سرتاسر دنیا جهت پژوهش و کار در این انستیتو دعوت نمود. اکنون این انستیتو نه تنها در اروپا، بلکه در جهان، به عنوان یکی از منحصربه‌فردترین مراکز پژوهش ایران‌شناسی به‌شمار می‌آید. پرفسور فراگنر یکی از مؤسسان شبکه ایران‌شناسان در اروپا است که گستره فعالیت‌های فرهنگی او از سیدنی استرالیا تا اتریش و از آمریکا تا روسیه را در برمی‌گیرد و با زحمات او، یک شبکه فرهنگی و پل ارتباطی بین آلمان، اتریش و ایران به‌وجود آمده است.  
از جمله دیگر آثار وی می‌توان به نگاهی به تاریخ مؤسسه ایران‌شناسی در فرهنگستان علوم اتریش و قلمرو زبان فارس‌یاشاره کرد.

برت فراگنر در سال ۱۳۸۸، مطابق با پنجاه و یکمین سال بنیادگذاری موقوفات دکتر محمود افشار، هجدهمین جایزه تاریخی و ادبی این بنیاد را دریافت کرد که این مراسم در کشور اتریش انجام گرفت.  
کتاب فهرست‌نامه اسناد فرمانروایان ایران فراگنر، برنده جایزه بخش خارجی چهارمین جشنواره بین‌المللی فارابی شد. این اثر مطالعه‌ای از دید کتاب‌شناسی در زمینه احکام سلطنتی و نامه‌های رسمی منتشر شده توسط صدارت‌خانه‌های اصلی ایران، افغانستان و آسیای مرکزی است، به استثنای مدارکی که از سوی حاکمان شبه قاره هند و پاکستان صادر شده است.

### ایران‌شناسی در جهان معاصر از نگاه پرفسور فراگنر

پرفسور فراگنر در نشست «بررسی مسائل ایران‌شناسی در جهان دانش» در کتابخانه مجلس سخنانی ایراد نمودند که بخش‌هایی از آن در ذیل می‌آید:

ایران‌شناسی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، در اروپا و به‌ویژه در انگلستان، اروپا و فرانسه، رواج مدگونه داشت و کشورهای اروپایی، به دلایل متفاوتی، توجه بسیاری به ادبیات، هنر و فرهنگ ایرانی داشتند. به‌ویژه در انگلستان، تحقیقات گسترده‌ای روی زبان فارسی انجام گرفت؛ به این ترتیب، علاقه آنان به زبان فارسی چشمگیر بوده است.

این دانشمندان ایران‌شناس اروپایی، با همتی عظیم، به کار آموختن زبان، فرهنگ و ادب ایرانی می‌پرداختند و بیشتر عمر خود را با تمرکز بر این رشته می‌گذراندند. از جمله ریتز که تمرکز بر فرهنگ و تمدن ایرانی را موضوع اصلی کار خویش قرار داده بود.

یک ایران‌شناس اروپایی، برای مثال قبل از خواب، چند شعر فارسی می‌خواند و با زمزمه آن شعر، به خواب می‌رود یا مثلاً آلمان که در زمینه شرق‌شناسی، فعالیت‌های چشمگیری داشته و دارد، به ویژه بر زبان عربی، تمرکز زیادی کرده است. یکی از عرب‌شناسان مهم آلمان می‌گفت که ما تا پایان عمر، به صورت تمام وقت، عربی تحصیل می‌کنیم و به رشته‌های دیگر، توجهی نداریم.

### گروه‌های مختلف ایران‌شناسان اروپایی

در میان ایران‌شناسان، عده‌ای بر زبان‌شناسی تأکید داشتند و بیشتر روی زبان فارسی تمرکز می‌کردند. این گروه در حقیقت زبان فارسی را از چهارچوب فرهنگ و تمدن ایرانی جدا کرده، به تنهایی روی آن تحقیق



می‌کردند. برای نمونه، میان این گروه، تحقیقات فردوسی رواج بسیار یافت و آنان قصد داشتند با تمرکز روی زبان شاهنامه فردوسی، ثابت کنند که زبان فارسی، بدون کاربرد و استمداد از زبان عربی، کاربرد داشته است. در این ارتباط، بحث‌های بسیاری درباره زبان فردوسی پیش آمده است. به عقیده من [پرفسور فراگتر] زبان شاهنامه، زبانی است که فردوسی ادیب، برای نشان دادن فرهنگ و زبان ایرانیان پیش از اسلام، تدوین کرده است.

گروه دیگری از ایران‌شناسان - شاید برخلاف گروه اول - معتقد بودند که زبان فارسی، بدون عربی، ناقص است و از این رو زبان فارسی برای کامل شدن، نیازمند زبان عربی بوده است.

دیدگاهی نیز توسط برخی ایران‌شناسان ارائه شده است که در حقیقت ایرانی مصنوعی را تصویر کرده‌اند که در دنیای واقعی وجود ندارد. آنها حالتی نژادپرستانه به دیدگاه‌های خود بخشیده‌اند.

گروه بعدی از ایران‌شناسان، معتقد بودند که فرهنگ ایرانی، بر اساس زبان فارسی ایجاد شده است و این فرهنگ، با نگاهی باز و وسیع به سراسر جهان نگرسته و مسائلی را از امور جهانی و بشری، برگرفته است.

در میان همه این گروه‌ها، ایران‌شناسی، وابسته به زبان است. آنها ایران و ایرانی بودن را یک موضوع بشری در نظر گرفته، به آن صورتی جهانی بخشیده‌اند.

برخی دیگر از ایران‌شناسان واقع‌گرا، پرسشی را برابر سایر ایران‌شناسان نهاده و گفتند «شما درباره چه ایرانی صحبت می‌کنید و قصد شناخت چگونه کشوری را دارید؟» ایران، خارج از تاریخ نیست و به‌ویژه شناخت تاریخ معاصر ایران، اهمیت ویژه‌ای دارد. برای شناختن آن، ناچاریم جامعه‌شناسی و علوم سیاسی را وارد کنیم و حالت اجتماعی و سیاسی این کشور را بشناسیم تا تخیلات و باورهای شخصی خود را در شناخت ایران، سهیم نکنیم. به این ترتیب، با استمداد از شاخه‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، ایران‌شناسی غنی‌تر شد و در چهار دهه اخیر، رشد چشمگیری یافت.

اما از طرف دیگر، در اثر راه یافتن این دیدگاه به رشته ایران‌شناسی، بحث‌های عجیبی نیز - که پیش از این وجود نداشت وارد این رشته شد. بحث‌های مختلف جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، چون ویروسی این رشته را فراگرفت و دیگر نمی‌توان آنها را از ایران‌شناسی جدا کرد. در اثر ورود این مباحث، امور ضد و نقیض و مختلفی نیز وارد این رشته شدند.

ایران‌شناسی چیست؟

پس از ورود این دیدگاه‌ها به رشته ایران‌شناسی، باید دید «منظور از ایران‌شناسی، چیست؟»

ایران‌شناسی، شناختن دولت و مردم کشور ایران است و حتی به عقیده من باید شناختن آن را ورای مرزهای امروزی ایران در نظر بگیریم و همه فرهنگ‌هایی را که فارسی در ایجادشان اساس بوده یا تأثیر داشته، نیز مورد پژوهش قرار دهیم؛ مثلاً شناختن تاجیکستان نیز مورد توجه‌مان باشد. این در حالی است که عده‌ای مخالف این نظر هستند و معتقدند ایران‌شناسی، شناختن ایران تحت مرزهای امروزی این کشور است و مثلاً شناختن قفقاز در عصر نظامی، به ما ارتباطی ندارد.

ایران‌شناسی در آمریکا، به عنوان یک امر ایرانی در نظر گرفته شده، توسط دانشگاهیان ایرانی تدریس

بررسی مسائل ایران‌شناسی در جهان دانش با حضور پرفسور برت فراگنر در کتابخانه مجلس

می‌شود. البته به‌طور کلی در آمریکا، آموزش زبانی غیر از انگلیسی، رواج زیادی ندارد، زیرا معتقدند زبان انگلیسی، زبانی جهانی است و سایر زبان‌ها، در مقایسه با آن چندان مهم نیستند. اما ایران‌شناسان آمریکایی، زبان فارسی را به عنوان زبان تحقیقاتی‌شان می‌آموزند و از مطالعه سایر زبان‌ها و علوم، صرف‌نظر می‌کنند؛ به سبب همین تمرکزشان روی یک زبان، به نتایج بسیار خوبی در زمینه دانش ایران‌شناسی، دست یافته‌اند.

### مشکلات ایران‌شناسان اروپایی

مسئله مهمی که در حوزه ایران‌شناسی بسیار تأثیرگذار است، مسائل و تغییرات سیاسی داخلی ایران است. حدود ۳۴ سال است که ایران‌شناسی و بحث درباره فرهنگ ایران، بدون اسلام‌شناسی، قابل انجام نیست. مسائل سیاسی ایران سبب شده است که ایران‌شناسان با سخت‌گیری‌های گوناگونی روبرو باشند، زیرا دانشمندان و به‌ویژه ایران‌شناسان اروپایی، مشتاق روابط با دانشمندان، محققان و پژوهشگران ایرانی هستند، اما این دانشمندان اروپایی، وابسته به مؤسسه‌ها، اداره‌ها و به‌ویژه حکومت و ساختار سیاسی کشور خودشان هستند. اینان نیاز دارند برای ارتباط با محققان ایرانی و سفر به این کشور، حمایت مالی شوند، اما از این نظر دچار مشکل هستند و حتی برای رفت و آمد و بورس دانشجویان اروپایی به دانشگاه‌های ایران، پشتوانه کافی از دولت دریافت نمی‌کنند.

این سخت‌گیری‌های مختلف، از سوی دیگر سبب شده تا ایران‌شناسان اروپایی به همان حالت قدیم خود بازگردند، زیرا برای آشنایی با یک فرهنگ و زبان، لازم است دانشمندان چند علم مختلف، با هم همکاری کنند و نتایج تحقیقاتشان را به هم بسپارند؛ برای مثال در شوروی سابق و هنوز در روسیه، عده‌ای زبانی را به‌طور کامل می‌آموزند و متون آن زبان را به‌طور دقیق می‌خوانند و ترجمه می‌کنند؛ سپس نتایج کارشان را به مورخ، ادیب، فرهنگ‌شناس و جامعه‌شناس می‌سپارند و از آن پس، آنها در مورد آن زبان و فرهنگ، تحقیق می‌کنند. به همین دلیل در روسیه کسانی را می‌یابیم که تسلطشان بر زبان فارسی، عالی است.

در چین نیز چنین نهضتی در حوزه آموزش زبان و فرهنگ، پدید آمده است. افرادی زبان‌های فارسی، انگلیسی، آلمانی و ... را به بهترین وجه می‌آموزند و نتایج مطالعاتشان روی متون آن زبان را به دانشمندان علوم دیگر می‌سپارند. چنین نهضتی در ژاپن حدود دو نسل قبل و در اروپا حدود سه، چهار نسل پیش از این، مشاهده می‌شد.

### ویژگی ایران‌شناسان

ایران‌شناس خارجی - گرچه یک ایران‌شناس حرفه‌ای که عمرش را در این حوزه صرف کرده است - هرگز ادعا ندارد که ایران و مردم ایران را به درستی می‌شناسد. من [پروفیسور فراگنر] نیز چنین ادعایی ندارم و به دانشجویان خود می‌گویم: «اگر می‌خواهید ایران‌شناس خوبی باشید، باید به این حقیقت واقف باشید که شما ایران را به درستی نمی‌شناسید». این خود قدم مفیدی برای ایران‌شناس بودن است.

یکی دیگر از ویژگی‌های کسانی که عمرشان را در راه شناخت ایران و امور مربوط به آن گذرانده‌اند، این است که همه آنان به‌طور قطع، به تمدن، ملت، فرهنگ، ادب و اخلاق ایرانی، عشق می‌ورزند و اگر این عشق و علاقه نبود، هرگز نمی‌توانستند در این حوزه - با همه مشکلات آن - پیش بروند و حتماً آن را رها می‌کردند. پس به یقین همه ایران‌شناسان، عشق و احساس خاصی به ایران دارند.